

« لغات فارسی نهم »

درس ۱۱ زن پارسا

نقل است: حکایت شده است جامه: لباس، پیراهن عیال: همسر
فلان: اشاره به شخص مبهم عهد کرده بود: پیمان بسته بود برخاست: بلندشد
خفته اند: خوابیده اند سیده: خانم امت: پیروان یک دین مخلوق: مردم
شفاعت: درخواست بخشش از کسی بیفتاد: افتاد قحطی: خشکسالی
متفرق: پراکنده درم: درهم، واحد پول مشقت: سختی خواجه: آقا، سرور
روی بر خاک نهاد: صورت به خاک گذاشت غریب: بی کس و تنها رضا: راضی بودن
آوازی: صدایی جاهیت: مقامی برای تو- جاه: مقام مقربان: نزدیکان به خدا
نازند: افتخار کنند الهی: خدایا هوا: خواست، خواهش نیاسودمی: آرام نمی گیرم
صومعه: محل عبادت رنجه مدار: مرنجان، اذیت نکن گرد: اطراف
طرّار: دزد ابلیس: شیطان زهره: شهامت، جرئت